دریچه

بازیگری با جاه‌طلبی هنری وسیع

مایکل مان، آدام درایور را با دنیرو و پاچینو دهه ۷۰ مقایسه کرد

همدلی| کارگردان سرشناس هالیوودی ضمن تایید علاقه‌اش به حضور آدام درایور در «مخمصه ۲»، او را در حد رابرت دنیرو و آل پاچینو در دهه ۱۹۷۰ دانست.

به نقل از ورلد آف ریل، فیلم «فراری» ساخته مایکل مان تابستان امسال در جشنواره فیلم ونیز به نمایش درآمد و نقدهای مثبتی دریافت کرد تا نشان دهنده بازگشت بزرگ «مان»، سازنده فیلم‌هایی چون «مخمصه»، «نفوذی» و «آخرین موهیکان» باشد.«فراری» با بازی آدام درایور در نقش انزو فراری، بنیان‌گذار تیم معتبر فرمول یک ساخته شده است. اکنون مایکل مان در مصاحبه‌ای با انترتینمنت ویکلی درباره دوستی‌اش با درایور از او به عنوان بازیگری با «قدرت و یکپارچگی هنری، همراه با جاه‌طلبی هنری بسیار شدید» یاد کرد و او را ستود.او درایور را در حد بازیگران هالیوود جدید در دهه ۱۹۷۰ خواند و گفت: فکر می‌کنم مقایسه کردن او با دنیرو و پاچینو مناسب باشد . . . فکر می‌کنم این موضوع در مورد رویکرد و تعهد به لحظه است، بدون تردید یا ابایی در مورد دستیابی به لحظه‌ای خاص برای راه رفتن روی طناب بدون توری در زیر آن ... این کاری است که پاچینو انجام می‌دهد. این جاه‌طلبی هنری است که با جاه‌طلبی شغلی متفاوت است. نوعی جاه‌طلبی هنری است که فرد را به تلاش برای رسیدن به چیزی خاص سوق می‌دهد و بر تردید و ترس غلبه می‌کند. بنابراین، هیچ ترسی وجود ندارد.سال ۲۰۱۹ هم مارتین اسکورسیزی، درایور را بزرگترین بازیگر نسل خود خوانده و حضور او را بر صفحه نمایش چشمگیر توصیف کرده بود.از زمانی که درایور در هالیوود به عنوان یکی از شخصیت‌های سریال موفق «دختران» لنا دانهام در شبکه اچ‌بی‌او شناخته شد، بی شک او مسیری را با رشد چشمگیر طی کرده است.پس از موفقیت در این سریال که پس از ۵ سال، سال ۲۰۱۷ پایان یافت، درایور تمایل داشت که پروژه‌های سینمایی خود را بر اساس کارگردان انتخاب کند؛ او با مارتین اسکورسیزی، جوئل کوئن، نوآ بامباخ، جیم جارموش، کلینت ایستوود، اسپایک لی، استیون اسپیلبرگ، استیون سودربرگ، مایکل مان، لئوس کاراکس، کار کرده است. به این فهرست باید فرانسیس فورد کاپولا، ریدلی اسکات و تری گیلیام هم افزوده شود.گفته شده درایور در «مخمصه ۲» به کارگردانی مان بازی می‌کند و مایکل مان هم در همین مصاحبه خود تایید کرده که در حال مذاکره با درایور برای ایفای نقش در قسمت دوم این فیلم به یادماندنی است.

حامد شیخی کارگردان نمایش چراغ تئاتر:

علاقه‌ای به لال شدن ندارم

همدلی| حامد شیخی نویسنده و کارگردان نمایش «چراغ تئاتر» که این روزها در تماشاخانه انتظامی روی صحنه است درباره ویژگی‌های این اثر نمایشی، گفت: «چراغ تئاتر» در واقع درددلی است در مورد حواشی امروز تئاتر و زخمی که بر تئاتر این روزها وارد شده است. این نمایش الهام گرفته از نمایشنامه «دو شخصیتی» اثر تنسی ویلیامز است که با مطالعه این نمایشنامه، مسیری برای گفتن حرف‌هایی پیدا کردم که با اتفاقات چهار سال اخیر تئاتر باید به زبان می‌آوردم.او درباره جامعه هدف این نمایش و میزان بازخوردهایی که از مخاطبان گرفته است، بیان کرد: تمام افرادی را که در این ۲ دهه اخیر بیننده و اجراکننده تئاتر بوده‌اند، مخاطب خود می‌دانم چون همگی دارای درد مشترک هستیم که به زبان طنز آن‌ها را بازگو می‌کنیم. خوشبختانه تا امروز بازخوردها همه مثبت بوده است به شکلی که نه فقط در پایان اجرا بلکه در هر بخش از اجرا شاهد تشویق تماشاگران هستیم که جای خرسندی دارد.این بازیگر و کارگردان تئاتر با اشاره به اینکه معتقد است در هر شرایطی باید چراغ تئاتر را روشن نگاه داشت، در این‌باره عنوان کرد: همانگونه که جواب این سوال را در نمایش «چراغ تئاتر» از زبان شخصیت اکبر آقا می‌شنویم؛ اجرا نکردن تئاتر برای یک هنرمند تئاتر به معنای لال شدن او است و من هیچ علاقه‌ای به لال شدن و بستن دهانم ندارم.شیخی درباره شیوه اجرای نمایش توضیح داد: از مهم‌ترین ویژگی‌های این نمایش می‌توان به محل وقوع داستان اشاره کرد. زیرا تمام قصه در همان سالنی اتفاق می‌افتد که نمایش در آن اجرا می‌شود. لذا از تمام اجزای سالن مانند اتاق فرمان، درهای سالن و جایگاه تماشاگران توسط بازیگران آشنایی‌زدایی می‌شود. در نتیجه اشتراکاتی میان بازیگر و تماشاگر و محیط تماشاخانه بر مبنای قصه ایجاد می‌شود و به نوعی تماشاگر خود را بازیگر قصه می‌بیند. نکته دیگر وجود تکنیک‌ها و کاراکترهای نمایش‌های ایرانی است که به نوعی مصداق بارز کاراکترهای تئوری برتولت برشت هستند و به مسیر فاصله گذاری نمایش و شکستن دیوار چهارم کمک فراوانی می‌کنند.این اثر نمایشی تا ۲۰ آذر ساعت ۱۸:۳۰ در سالن انتظامی خانه هنرمندان روی صحنه است.

پروانه معصومی؛ بازیگر کهنه‌کار سینما درگذشت

سوگ پردهٔ نقره‌ای برای «پروانه»

همدلی| سارا حیدرنژاد| دیروز ششم آذر ماه در بیمارستانی در شهر رشت درگذشت. نعیمه نظام‌دوست شاید از اولین کسانی بود که خبر درگذشت او را تایید کرد.

این بازیگر کهنه کار از چند روز قبل به خاطر پارگی روده راهی بیمارستان شد، دیروز بر اثر عفونت ریوی به آی سی یو منتقل شد و در نهایت همان دیروز هم از دنیا رفت.

سکینه کبودرآهنگی با نام هنری پروانه معصومی، زاده ۱۱ اسفند ماه سال ۱۳۲۳ بود. تحصیلاتش را در دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه ملی ایران به پایان رساند و نخستین بار سال ۱۳۵۰ در فیلم «بی‌تا» با ایفای نقشی کوتاه روی پرده نقره‌ای ظاهر شد و تنها یک سال زمان لازم بود تا در فیلم سینمایی «رگبار» به کارگردانی بهرام بیضایی به عنوان نقش اول زن به ایفای نقش بپردازد.

برخلاف بسیاری از بازیگرانی که عملا بعد از انقلاب با عالم هنر خداحافظی کردند، اتفاقا وقوع انقلاب برای او خوش یمن بود تا جایی که او سال ۱۳۶۳ برای نقش‌آفرینی در فیلم سینمایی «گل‌های داوودی» جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن در جشنواره فیلم فجر را دریافت کند. علاوه بر این حضور در دو فیلم سینمایی «جهیزیه‌ای برای رباب» و «شکوه زندگی» برایش لوح زرین بهترین بازیگر نقش اول را به ارمغان آورد.

پروانه معصومی تا پیش از حضور در تلویزیون با ایفای نقش در سینما به شهرت رسیده بود و اولین حضورش در قاب تلویزیون به سال ۱۳۶۳ و بازی در سریال «کوچک جنگلی» به کارگردانی بهروز افخمی بازمی‌گردد.

البته او بعدها در سریال‌های موفقی همچون «امام علی (ع)»، «مسافر ری»، «پلیس جوان»، «یوسف پیامبر (ع)» و «مثل هیچکس» جلوی دوربین قرار گرفت و نقش‌های ماندگاری را هم بازی کرد.

پروانه معصومی آخرین بار با بازی در سریال «در کنار پروانه‌ها» به کارگردانی داریوش یاری که سال ۱۴۰۰ از شبکه دو پخش شد، در قاب تلویزیون ظاهر شد.

او در حالی ۶ آذر ماه از دنیا رفت که بسیاری از همکاران و آشنایانش ناباورانه این خبر را شنیدند، بخصوص آنکه خیلی‌ها از بیماری او اطلاعی نداشتند. معصومی معتقد بود خیلی از بازیگرها دوست ندارند کسی بیماری‌شان را بداند و خودش هم اینطور دوستانش را بهت‌زده کرد.

فرزندنش نیما درباره محل خاکسپاری مادرش گفت: هم خانواده «پروانه» و هم خانواده معصومی تمایل دارند تا او در مقبره خانوادگی در امامزاده ابوطالب فرحزاد به خاک سپرده شود.

نیما تنها فرزند او دیروز درباره تشییع پیکر مادرش در گیلان هم گفت: مراسم تشییع پروانه معصومی ۷ آذرماه در میدان شهرداری رشت برگزار می شود.او گفت: مادرم در جریان فیلم «غریبه و مه» بهرام بیضایی تصمیم گرفت در گیلان زندگی کند. حضور پروانه در گیلان و منطقه اسالم او را عاشق خطه شمال کرد و باعث شد برای همیشه اینجا را برای زندگی انتخاب کند. آخرین حضور پروانه معصومی در سینما هم ایفای نقش در فیلم «معکوس» به کارگردانی پولاد کیمیایی بود.

نقش‌های معصومی در فیلم‌های قبل از انقلاب اسلامی در تقابل آشکار با زنان فیلم فارسی بود و با آن‌ها جایگاه ویژه‌ای در فیلم‌های روشنفکری ایجاد کرد. یکی از رکوردهایی که به نام او ثبت شده و البته هیچ گاه هم شکسته نخواهد شد کسب اولین جایزه سینمای ایران بعد از انقلاب با عنوان نقش اول زن در جشنواره فیلم فجر بود.

سالها قبل خودش درباره ورود به دنیای بازیگری این طور گفته بود: اواخر سال ۵۰ بود که آقای هژیر داریوش به دلیل دوستی‌شان با شوهر من و نزدیک بودن منزلشان با ما و همچنین دوستی خانوادگی که با آقای بهارلو داشتیم برای بازی در این فیلم (بی‌تا) از من دعوت کردند و گفتند سه، چهار جلسه بیشتر طول نمی‌کشد و من هم دیدم که تقریبا لوکیشن کار نزدیک به خانه ماست و سه روز کاری قرار بود باشد که قبول کردم و چون حرفه‌ای نبودم و سینما را نمی‌شناختم، وقتی کار چهار روز شد گفتم نمی‌آیم و بعد دیدم حتما باید بروم. من این فیلم را تازه ۱۰ سال پیش (۱۳۷۴) دیدم و معتقدم میان فیلم‌های آن زمان کار خوبی بود و بسیاری از آدم‌های تحصیل‌کرده مثل خود آقای داریوش و هوشنگ کاووسی در این فیلم حضور داشتند. از میان بازیگران فیلم نام آقای انتظامی را شنیده بودم و خانم (فائقه) آتشین را هم قبل از اینکه از ایران بروم به خاطر اجرای برنامه‌هایشان دیده بودم.

او درباره حضورش در رگبار به کارگردانی بهرام بیضایی هم توضیح داده بود: شوهرم عکاس تبلیغاتی بود. آقای بیضایی عکسی از من برای تبلیغ یک کالا دیده بود و همین عکس باعث شد بازی در نقش عاطفه (رگبار) توسط آقای احمدرضا احمدی به من پیشنهاد شود. من در یک خانواده مذهبی به دنیا آمده‌ام و دوره‌ای وارد سینما شدم که این کار خیلی خوشایند نبود به همین جهت اصلا قصد بازیگری نداشتم. آقای احمدی هم وقتی قصه «رگبار» را برای من تعریف کرد، برایم فرق نمی‌کرد که قصه چه باشد چون اصلا سینمای آن دوره را ندیده بودم و نمی‌دیدم.

معصومی با اشاره به جو آن سالهای سینمای ایران و نگاهی که خانواده‌های مذهبی از جمله خانواده او به سینمای قبل از انقلاب داشتند، افزود: می‌دانستم بازیگر شدنم با مخالفت‌های وحشتناک خانواده‌ام مواجه خواهد شد. من آن موقع به همراه همسرم تازه از آلمان برگشته بودم و هیچ آشنایی با مقولات هنری ایران نداشتم. آقای بیضایی خودش قصه را برای من تعریف کرد و من حتی او را هم نمی‌شناختم. فیلمنامه را گرفتم و خواندم، آقای بیضایی گفت چقدر می‌گیری تا این فیلم را بازی کنی؟ من هم بدون اینکه بدانم دستمزدها چقدر است مبلغی را گفتم، او گفت: این مبلغی که شما گفتی می‌دانی دستمزد کیست؟ گفتم: نه. گفت: این مبلغ را خانم آتشین می‌گیرد و بازی می‌کند. گفتم: من اینقدر می‌گیرم و بازی می‌کنم، اگر هم نمی‌خواهی بازی نمی‌کنم. گفت: با یک سکانس شروع می‌کنیم که اگر قبول شدی پول را به شما می‌دهیم و کار را با سکانس فوق‌العاده مشکلی شروع کرد. صحنه‌ای که عاطفه وارد مدرسه می‌شود و آقای حکمتی را جای مدیر می‌گیرد و شروع می‌کند به شکایت کردن از آقای حکمتی این صحنه گرفته شد و بیضایی چهار پنج روز بعد رضایت خودش را اعلام کرد و گفت: بعد از کار دستمزد شما را می‌دهیم.

«رگبار» پشت صحنه سالم و خیلی بی‌ریایی داشت و می‌توانم بگویم این فیلم در نهایت فقر و صمیمت فوق‌العاده خاصی ساخته شد و معتقدم آن صمیمیت به آن طرف دوربین هم منتقل شد. خود من فیلم «رگبار» را فوق‌العاده دوست دارم و خوشحالم که در آن بازی کردم. شاید بیشترین عاملی که در این فیلم به من کمک کرد، حضور آقای پرویز فنی‌زاده در نقش مقابلم بود.

این بازیگر فقید با بیان اینکه پرویز فنی‌زاده آن زمان بیشتر در تئاتر کار می‌کرد و با توجه به اینکه هیچ راهنمایی هم برای بازی من از سوی آقای بیضایی صورت نمی‌گرفت، نوع بازی و رفتار آقای فنی‌زاده طوری بود که من با او خیلی راحت بودم. البته بعد از اینکه فیلم تمام شد از او علت عدم راهنمایی‌اش را پرسیدم که گفت همین خجالت تو جلوی دوربین برای من کافی بود. بعدها دیدم آقای بیضایی واقعا حق داشت و آن خجالتی که از دوربین و محیط داشتم، نقشم را خیلی طبیعی کرد. به هر حال «رگبار» فیلم پر سر و صدایی شد و جوایزی را هم در جشنواره‌های داخلی و خارجی کسب کرد و برای من هم خیلی مهم بود که در این فیلم حضور پیدا کردم.

این بازیگر نامدار درباره تنها تجربه تئاتری خود هم اینچنین توضیح داده بود: نمایش «جنایت و مکافات» به کارگردانی دکتر رفیعی تنها تجربه من در تئاتر است که سال ۵۶ در تئاتر شهر اجرا شد. او افزود: این کار تجربه خیلی بدی برای من بود و به خاطر همین دیگر تئاتر کار نکردم. حس می کردم همه فکر می‌کنند یک نفر از سینما به جمع‌شان اضافه شده و می‌خواهد جای آن‌ها را بگیرد.

معصومی با بیان اینکه وقتی فیلمنامه «گل‌های داوودی» را خوانده از آن خوشش آمده هم توضیح داد: نواقصی در فیلمنامه وجود داشت که قرار شد برطرف شود و یک مقدار هم مشکل گریم داشتیم چون حتما چهره من باید کمی پیرتر می‌شد تا داشتن پسری هم سن آقای امکانیان به چهره‌ام بخورد.

او افزود: من برای این فیلم جایزه بهترین بازیگر زن سومین جشنواره فیلم فجر را دریافت کردم که اولین دوره‌ای بود که به بازیگران زن جایزه می‌دادند. گرفتن این جایزه ماجرای جالبی داشت. هنگام جشنواره در شمال مشغول بازی در فیلم «چمدان» به کارگردانی جلال مقدم بودم. مدت‌ها بود که به اتفاق آقای انتظامی، تارخ و سایر گروه در آنجا مانده و منتظر هوای ابری بودیم و اصلا از جشنواره خبر نداشتم. صبح زود بود که آقای انتظامی در اتاقم را زد و به من تبریک گفت و خبر داد که بهترین بازیگر زن سال شدم. وقتی به تهران آمدم، متوجه شدم به خاطر نبودنم در مراسم جشنواره پشت سرم شایعه درست کرده‌اند که به خاطر اینکه باید با چادر می‌رفتم و جایزه را می‌گرفتم در مراسم حاضر نشدم که گفتم من اصلا روحم از این جشنواره خبردار نبوده است.

او در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه هرگز سالی بیشتر از یک فیلم بازی نکرده است، گفت: سال ۱۳۶۶ چند فیلم من همزمان با هم اکران شدند. «آشیانه مهر»، «خارج از محدوده»، «جهیزیه برای رباب»، «شکوه زندگی» و «شناسایی» فیلم‌هایی بودند که در یک سال اکران شدند. ضمن اینکه برای بازی در فیلم‌های «جهیزیه برای رباب» و «شکوه زندگی» دومین سیمرغ بلورینم (لوح زرین) را از ششمین جشنواره فیلم فجر گرفتم.

معصومی با اشاره به اینکه در فیلم ناخدا خورشید ناصر تقوایی حضور کوتاهی داشته، درباره همکاری بعدی خود با این کارگردان شهیر، توضیح داد: بعد از فیلم «ناخدا خورشید» همیشه آرزو داشتم دوباره با او کار کنم. آقای تقوایی جزو کسانی است که وقتی گروه کاری‌اش را تشکیل می‌دهد، می‌بینید که همه چیز سر جای خودش قرار گرفته است. برای فیلم «رومی و زنگی» با او قرارداد داشتم و قرار بود نقش یک زن ارمنی را بازی کنم وتقریبا همه دیالوگ‌ها را هم باید به زبان ارمنی می‌گفتم. یک معلم ارمنی هم قرار بود این زبان را به من یاد بدهد. آقای تقوایی به شوخی می‌گفت: من تا حالا نتوانستم پوست سر تو را بکنم و در این کار می‌دانم با تو چه کار کنم که متاسفانه این فیلم ساخته نشد.

این بازیگر فقید، درباره بازیگران زن سینمای قبل از انقلاب هم گفت: ما باید ببینیم آن جامعه و آن زمان از زن‌ها چه می‌خواسته و اصلا نمی‌توانیم بگوییم که این‌ها بازیگران بدی بوده‌اند، من فیلمی از یکی از بازیگران زن معروف آن زمان به نام «رقاصه» دیدم و فکر می‌کردم اگر یک کارگردان خوب پشت سر این قصه بود این فیلم هم می‌توانست فیلم خوبی باشد و هم این چهره می‌توانست خیلی خوب بازی کند.

معصومی به شرایط آن دورنا هم تاکید داشت و معتقد بود: آن زمان آن چیزها را می‌خواست، کمااینکه الان مردم آن را نمی‌توانند بپذیرند. من شنیده بودم فیلم‌هایی که کار نمی‌کرده رقص و آواز وسطش می‌گذاشتند و فیلم فروش می‌کرد و بازیگران زن بیشتر برای جلب گیشه مورد توجه بودند. الان هم متاسفانه در سینمای مان زنان آن جایگاهی را که باید داشته باشند، ندارند.

سرانجام نوبت به محل زندگی او یعنی یکی از روستاهای استان گیلان رسید. این بازیگر پیشکسوت درباره انتقال محل زندگی خود از تهران به آنجا هم توضیح داد: من در یکی از روستاهای صومعه‌سرا واقع در محدوده رشت و ماسوله زندگی می‌کنم. شاید تا سه سال که آنجا زندگی می‌کردم، هیچ کس نمی‌دانست من کی هستم تا «پلیس جوان» پخش شد و همه فهمیدند من بازیگرم. در این روستا همه به فکر زندگی هستند. من از دود و دم تهران فرار کردم و آنجا در آسایش هستم و با مردم درستی سر و کار دارم.

او غفزود: آنجا پر از سوژه‌های فیلمسازی است. بچه‌های سر پل فیلمی است که هر روز آن را می‌بینم. از ساعت ۲ بعدازظهر تا غروب آفتاب بچه‌هایی که مدرسه‌شان تعطیل شده و هیچ جایی ندارند جز اینکه بالای پل بایستند و رودخانه را نگاه کنند. گاهی هم سنگی به رودخانه پرتاب کنند و یا گرمشان می شود به آب می روند. این فیلمی است که هر روز می‌بینم و خسته نمی‌شوم و تکراری نیست.

این سخنان مربوط به یکی از گفت‌وگوهای مطبوعاتی پروانه معصومی بود که نزدیک به دو دهه قبل انجام شده بود و حالا و به بهانه درگذشت این بازیگر فقید، با هم به مرور آن پرداختیم.

بازیگری که سخنان او در یکی از محافل باعث شد از سوی همصنفی‌هایش در اصطلاح بایکوت شود و خیلی‌ها به تعبیر خودشان او را کنار بگذارند.

حالا که پروانه معصومی از میانمان رفته، اما سیل پیامهای تسلیت دارد از راه می‌رسد؛ شاید یکی از اولین پیامها مربوط به رئیس سازمان سینمایی باشد. در متن پیام تسلیت رئیس سازمان سینمایی آمده است:

«انالله وانااليه راجعون

درگذشت هنرمند فرهیخته، بانو پروانه معصومی باعث تالم و تاثر بسیار شد، زنده‌یاد معصومی طی چندین دهه حضور بی‌وقفه و تاثیرگذار در سینما وتلویزیون در آثار ماندگار بسیاری به ایفای نقش پرداخت و موفق به خلق شخصیت‌های جذاب و متفاوتی شد که در حافظه تاریخی مردم خواهد ماند.

او، از پیشکسوتان هنر اصیل و شریف؛ و بازیگری متعهد و اخلاق‌گرایی بود که هنرش را برای جامعه و مردم به خدمت گرفت و بی تردید، سهم بسزایی در تولید تعدادی از آثار درخشان سینمای بعد از انقلاب داشت.

زنده‌یاد معصومی نماینده چهره با وقار بازیگری زن در سینمای بعد از انقلاب بود که در بسیاری از آثار شاخصه های مختلف یک زن مسلمان را به نمایش گذاشت.

اینجانب ضمن همدردی با خانواده آن مرحومه و جامعه هنری از خداوند منان برای آن مرحومه رحمت واسعه و غفران الهی مسالت دارم.»

انجمن بازیگران سینمای ایران هم در واکنش به خبر درگذشت این بازیگر باسابقه در پیامی نوشت:

«بازگشت همه به سوی اوست

هنوز دست به گریبان بُهت از دست دادن بانو بیتا فرهی عزیز بودیم و با او وداع نکرده بودیم که خبر ناگوار و ناخوشایند درگذشت بانوی پیشکسوت هنر بازیگری، سرکار خانم پروانه معصومی داغی تازه بر دل‌هایمان نشاند.

انجمن صنفی بازیگران سینما این سوگِ بزرگ را به خانواده محترم ایشان، همکاران گرامی و هم‌وطنان عزیز تسلیت عرض می‌نماید.

همچنین زمان و مکان مراسم تشییع و ختم این هنرمند گرامی در تهران متعاقبا به اطلاع خواهد رسید.»

رویداد

برنده جایزه «بوکر» معرفی شد

«پل لینچ» با «آواز پیامبر» بوکر را به خانه برد

همدلی| جایزه ادبی «بوکر» سال ۲۰۲۳ به رمان یک نویسنده ایرلندی اهدا شد و رئیس هیات داوران از آن به عنوان اثری «تکان‌دهنده» یاد کرد. به نقل از گاردین، «پل لینچ»، نویسنده ایرلندی برای نگارش پنجمین رمان خود با عنوان «آواز پیامبر» به عنوان برنده جایزه ادبی «بوکر» سال ۲۰۲۳ انتخاب شد.این رمان داستانی از یک ایرلند خیالی را روایت می‌کند که به ستمگری دچار شده است. «اسی ادوگیان»، رئیس هیات داوران جایزه «بوکر» از آن به عنوان رمانی «تکان‌دهنده و حقیقی» یاد کرد که «اضطراب‌های اجتماعی و سیاسی مقطع کنونی زندگی ما را به تصویر می‌کشد».«ادوگیان» که رمان‌نویس کانادایی است، تاکنون دو بار به فهرست نامزدهای نهایی «بوکر» راه یافته است. به گفته این نویسنده انتخاب «لینچ» به عنوان برنده این جایزه ۵۰,۰۰۰ پوندی یک تصمیم متفق‌القول نبود و رای‌گیری و صحبت درباره برنده جایزه حدود شش ساعت طول کشیده است.این دومین سال پیاپی است که یک رمان با موضوع نزاع سیاسی به عنوان برنده این جایزه انتخاب می‌شود. در سال ۲۰۲۲ رمان نوشته «شاهان کاروناتیلاکا» با عنوان «هفت قمر معالی آلمیدا» که درباره جنگ داخلی سریلانکا بود به عنوان اثر برگزیده معرفی شد.«لینچ» که امسال به عنوان نویسنده برنده انتخاب شده است، در سال ۱۹۷۷ میلادی در «لیمریک» متولد شد و اکنون ساکن «دوبلین» است. سایر رمان‌های او با نام‌های «فراتر از دریا»، «شکوه»، «برف سیاه» و «آسمان سرخ صبح» منتشر شده‌اند. به این ترتیب «پل لینچ» پس از «ایریس مرداک»، «جان بنویل»، «رادی دویل» و «آن انرایت» به پنجمین نویسنده ایرلندی برنده جایزه «بوکر» تبدیل شد. «آنا برنز»، نویسنده اهل ایرلند شمالی نیز در سال ۲۰۱۸ به عنوان برنده اعلام شد.«لینچ» جزء سه نویسنده مرد راه‌یافته به فهرست نامزدهای نهایی «بوکر» بود که از نظر علاقه‌مندان به کتاب بیشترین شانس دریافت جایزه امسال را داشت.از دیگر آثاری که امسال علاوه بر «آواز پیامبر» به فهرست نامزدهای نهایی راه یافتند به «نیش زنبور» نوشته «پل موری»، «اگر از تو رهایی پیدا کنم» نوشته «جاناتان اسکافری»، «آن عدن دیگر» به قلم «پل هاردینگ» و «مطالعه برای اطاعت» اثر «سارا برنشتاین» می‌توان اشاره کرد.جایزه «بوکر» که اولین‌بار در سال ۱۹۶۹ برگزار شد، ویژه همه آثار نوشته‌شده از سراسر جهان به زبان انگلیسی است که در بریتانیا و ایرلند منتشر شده باشند.

هشتم آذر برگزار می‌شود

معرفی «هفت دستگاه» درفرهنگسرای ارسباران

همدلی| نشست تخصصی موسیقی با موضوع «دستگاه» و محاسبه فواصل از دیدگاه «ملایمت»، روز چهارشنبه هشتم آذر ساعت ۱۷ در فرهنگسرای ارسباران برگزار می‌شود.به نقل از روابط عمومی فرهنگسرای ارسباران، نشست تخصصی با موضوع «دستگاه» و محاسبه فواصل از دیدگاه «ملایمت» روز چهارشنبه هشتم آذر ساعت ۱۷ با معرفی کتاب «هفت دستگاه، تحلیل ساختاری و محاسبه فواصل براساس ردیف میرزاعبدالله» با حضور مولف در فرهنگسرای ارسباران برگزار می‌شود.محور اصلی این نشست، گفتگو پیرامون دیدگاه‌های موثر در تالیف کتابی است که به تازگی توسط سیاوش سحابی در حوزه موسیقی دستگاهی ایران منتشر شده است.کتاب یادشده با عنوان «هفت دستگاه، تحلیل ساختاری و محاسبه فواصل براساس ردیف میرزاعبدالله» توسط سحابی تألیف و به طبع رسیده است.هدف از برگزاری این جلسه، تلاش برای تشریح عناصر ساختاری «دستگاه» در موسیقی فعلی با تکیه بر مفاهیم موجود در رسالات کهن موسیقی ایران‌زمین از جمله «ملایمت» است که با بیان نظرات نویسنده به‌عنوان سخنران جلسه انجام می‌شود.

حضور در این برنامه برای عموم علاقه‌مندان آزاد و رایگان است و برای شرکت در آن می‌توانید به فرهنگسرای ارسباران واقع در کنند.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان کرمانشاه
(سهامی خاص)

فراخوان ارزیابی کیفی همزمان با ارزیابی کیفی (یک مرحله‌ای)

FR-CO-37/00

نوبت اول

شرکت گازاستان کرمانشاه درنظردارد مناقصه عمومی به شماره ۲۰۰۲۰۰۱۳۳۹۰۰۰۰۹۳ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
موضوع مناقصه: تهیه مصالح و ساخت ۲۰۰۰ علمک پلی اتیلن روکار
شرکتهای متقاضی دارای گواهی نامه صلاحیت پیمانکاری در رشته تاسیسات و تجهیزات و نیز گواهینامه صلاحیت ایمنی پیمانکاران می توانند درصورت داشتن ظرفیت مجاز کاری ، کلیه مراحل برگزاری مناقصه اعم از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها را، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) پیگیری نمایند.
لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام درسایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

برآورد صورت گرفته جهت انجام پروژه: ۲۰/۹۲۷/۲۶۸/۴۳۰ ریال.
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۱/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال.
تاریخ انتشار مناقصه درسامانه ۱۴۰۲/۰۸/۲۳ می باشد.
مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۱.
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد :ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۵.
زمان بازگشایی پاکات ارزیابی کیفی:ساعت ۹:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۷.
مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس: کرمانشاه، میدان آزادی، ابتدای بلوار شهید بهشتی شرکت گازاستان کرمانشاه طبقه اول اتاق ۲۱۵ یا پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی (WWW.NIGC-KSh.ir) مراجعه نمایند.

شناسه آگهی: ۱۶۱۰۴۲۱
روابط عمومی شرکت گاز استان کرمانشاه